

بررسی خنثایی سیاست پولی و مالی در اقتصاد ایران با استفاده از روش رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب.

احمد صلاح منش^۱، هانیه اسکندری^۲

^۱ استادیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، a.salahmanesh@gmail.com

^۲ دانشجویی دکترای دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، Hanieh_eskandary@yahoo.com

چکیده

این مقاله طبق رویکرد مک‌گی-استیاک به دنبال بررسی خنثایی یا ناخنثایی سیاست‌های پولی و مالی است. برای این منظور از داده‌های سالانه طی دوره زمانی ۹۴-۱۳۵۰ برای اقتصاد ایران با استفاده از روش رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب استفاده شده است.

نتایج نشان می‌دهد که سیاست پولی پیش‌بینی شده و نشده خنثی، اما سیاست‌های مالی پیش‌بینی شده دارای اثرات مثبت و معناداری بر سطح تولید حقیقی می‌باشند. به‌طوری که یک درصد تغییر در مخارج دولت که به‌عنوان شاخصی برای تعیین سیاست مالی در نظر گرفته شده است منجر به ۰/۱ درصد تغییر در تولید ناخالص داخلی می‌گردد. از این‌رو در این رابطه ارجحیت سیاست‌های مالی بر پولی از لحاظ تأثیرگذاری بر سطح متغیرهای کلان اقتصادی محرز می‌شود و بهره‌گیری از این سیاست‌ها توصیه می‌شود. همچنین با توجه به بی‌معنا بودن سیاست پولی پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده، فرضیه‌ی انتظارات عقلایی را نمی‌توان برای اقتصاد ایران تأیید نمود.

کلید واژه: خنثای پول، سیاست‌های پولی و مالی، اقتصاد

ایران، مدل SUR

۱- مقدمه

سیاست‌های مالی و پولی یکی از مهمترین ابزارهای سیاست-گذاران اقتصادی می‌باشند و نقش تعیین کننده‌ای در تنظیم

اقتصاد و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده دارند. این سیاست‌ها ممکن است بر متغیرهای کلان فراوانی تأثیرگذار باشد که هر یک به تنهایی از اهمیت بالایی از دیدگاه سیاستمداران و مدیران اقتصادی جامعه برخوردارند. از جمله این متغیرها می‌توان به رشد اقتصادی؛ تورم؛ نرخ ارز و بیکاری اشاره کرد.

سیاست‌های مالی از طریق برنامه‌های عمرانی و بودجه‌های سالیانه و درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی دولت تبیین و اعمال می‌شوند. سیاست‌های پولی نیز با هدف اثرگذاری بر اقتصاد معمولاً از طریق تغییر در حجم پول در جریان اعمال می‌شوند. تغییر در مخارج دولت و حجم پول از طریق ضریب فزاینده بر روی تولید بخش‌های مختلف اقتصادی اثر گذاشته و در نتیجه تغییر در سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده را به دنبال خواهد داشت. تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر تولید بخش‌های مختلف اقتصادی از طریق یک مدل عرضه و تقاضای کل در شکل (۱)، قابل توضیح است.

شکل (۱): تعادل همزمان عرضه و تقاضای کل و بخش عرضه و تقاضا و تأثیر سیاست مالی انبساطی بر مقدار تولید حقیقی در حالت توهم ناقص پولی.